بررسی ابعاد شاخص های توسعه پایدار محله ای بر کاهش استرس محیطی ساکنان(نمونه موردی: محله چیذر تهران)

الهه خادملو[1]*

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

مباحث تحولات شهرنشینی و تحرکات جمعیتی در چند دهه اخیر سبب شده است که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰، جمعیت شهری کشور در ۵۵ سال گذشته از پنج میلیون و نهصد هزار نفر به پنجاه و چهار میلیون نفر، یعنی تقریباً ده برابر افزایش پیدا کند. این رشد سریع سبب شده تا از ابعاد گوناگون، مسائل شهرنشینی در یک چالش انسانی با شاخص های اجتماعی و هویت محله ای مواجه شود، که از شاخص های توسعه پایدار محله ای می باشند. هدف پژوهش حاضر تعیین اثر شاخص های پایدار محله ای بر سلامت روانی ساکنان و کاهش میزان استرس آنها می باشد، همچنین در این پژوهش سعی بر این است تا با استحصال شاخص های توسعه پایدار محله ای ضمن استفاده از پژوهش های پیشین مرتبط با موضوع، از نظرات ساکنان محله نیز استفاده شود. روش انجام پژوهش «توصیفی_ تحلیلی» می باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق رجوع به متون و منابع بدست آمده است. سایر اطلاعات مورد نیاز مبتنی بر سئوالات و اهداف تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه حاصل شده است. جامعه آماری در ارتباط با پرسشنامه شامل ساکنان محله چیذر می‌باشد. حجم نمونه برابر ۳۷۵ نفر،که بر اساس جدول مورگان تعیین و از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده های آن استفاده گردیده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که با افزایش شاخص های توسعه پایدار محله ای مانند: هویت محله ای، مشارکت، امنیت، خوانایی و سرزندگی محله از استرس ساکنان کاسته می شود.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار محله ای، هویت محله ای، مشارکت، امنیت، استرس ساکنان

۱- مقدمه

تحولات انقلاب صنعتی سبب رشد و افزایش جمعیت جهان و گرایش فزاینده به شهرنشینی در جهان و منجمله در کشور ایران شد. این موج سریع با خود پیامدهای مثبت و منفی به همراه داشت. یکی از شاخصه های اثرات شهرنشینی بر زندگی فردی و اجتماعی شهروندان، کیفیت روابط اجتماعی یا به عبارتی رفتارهای ناشی از زندگی جمعی در شهرها می باشد، که با گسترش فضاهای شهری و افزایش ابعاد زندگی اجتماعی، تنوع فرهنگی، پیچیدگی های تکنولوژیک، ترافیک، حمل و نقل میتواند بر سلامت افراد تأثیر منفی داشته باشد. کارکرد فضاهای شهری باید حس تعلق خاطر به مکان، امنیت روانی، آسایش، آسایش، بهبود عملکرد فضاها، تعاملات اجتماعی و حس همدلی با دیگر استفاده کنندگان از فضا را در افراد ایجاد نماید.

امروزه یکی از راهکارهایی که برای رفع مشکلات شهری پیشنهاد می‌شود الگوی توسعه پایدار می باشد، اما به دلیل دیدگاه کلان نگر این نظریه و ناکامی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار شهری باعث چرخش مقیاس آن به سمت محلات شده است، به دلیل برنامه ریزی های توسعه از پایین به بالا که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان انجام می شود به نظر می رسد مقیاس بهینه همان محلات باشند. محلات و محیط های مسکونی کوچکتر، محصول نظریه ها و ایده های مطرح شده در توسعه شهری را به عینیت تبدیل می کنند[۱].